

اعانه ظالمين

دکتر جلال ايرانمنش*

چکیده:

همانطور که می دانید میل و رکون به ظالمين و اعانت و کمک به آنها از گناهان کبیره و مستوجب آتش عذاب الهی است اما لازم است زوایای مسئله کاملاً روشن شود که آیا تمام اقسام اعانت به ظلم حرام است یا نه در بعضی موارد حرام و در بعضی موارد جایز است. قبل از اینکه مشغول به تتبع در منابع مورد استفاده برای تحریر این مقاله شوم بر این تصور بودم که مقام فقهی امام راحل (ره) همپایه دیگران و شاید کمتر از بعضی فقهاء باشد اگر چه بر این باور بودم که امام عزیز راحلمان از نظر شجاعت، تقوی و عرفان بی نظیر یا کم نظیر بوده است اما بعد از تحقیق مزبور پی بردم که امام (ره) در فقه نیز بی نظیر یا کم نظیر بوده اند. زیرا اگر مثلاً مطالب مصباح الفقاهاه مرحوم خوئی را با یکبار خواندن فهمیدم اما مباحث امام راحل (ره) را پیرامون این موضوع چندین بار خواندم تا آنها را درک کردم و اکنون متوجه شده ام که آن بزرگوار در فقه نیز استثنائی بوده اند. سعی کردم که ترجمه و توضیحاتم سلیس و روان باشد اگر چه در بعضی موارد عبارات آنچنان طولانی و مشکل بود که به سختی می شد ترجمه کرد. کتاب منیه الطالب را پیدا نکردم و در حاشیه مرحوم آخوند نیز پیرامون این موضوع مطلبی نبود.

کلمات کلیدی: اعانه ظالمين، عذاب الهی، حرام، ظلم

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

از دیدگاه شیخ اعظم انصاری (ره) مکاسب محرمه بر چهار نوع است

۱- النوع الاول الاکتساب بالاعیان النجسة عدا ما استثنی (مکاسب شیخ، ص ۳): اکتساب و کسب درآمد به وسیله خرید و فروش اعیان نجس حرام است و به جز مواردی که استثنا شده و در جای خود ذکر شده است.

۲- النوع الثانی مما یحرم التکسب به ما یحرم لتحریم ما یقصد به (مکاسب شیخ، ص ۱۴): نوع دوم از اکتساب محرم خرید و فروش چیزهایی است که مقصود و منفعت حاصل از آنها حرام می باشد مثل فروختن بت.

۳- النوع الثالث مما یحرم التکسب به مالا نفعه فیہ محللة معتداً بها عند العقلاء (مکاسب شیخ، ص ۲۰): نوع سوم از اکتساب محرم خرید و فروش اشیاء و اموری است که فائده حلال قابل توجهی ندارند مانند خرید و فروش سوسک و عقرب و ...

۴- النوع الرابع ما یحرم الاکتساب به لکونه عملاً محرماً فی نفسه (مکاسب شیخ، ص ۲۱): اکتساب به وسیله اموری که فی نفسه حرام می باشند مانند تدلیس و ... این امور چهارگانه را برای بیان این مطلب ذکر کردم که روشن شود موضوع مورد بحث یعنی اعانت به ظالم، از اقسام نوع چهارم می باشد یعنی اموری که فی نفسه حرام هستند.

المبحث الاول : اعانة الظالم فی ظلمه

الثانیة و العشرون معونة الظالمین فی ظلمهم حرام بالادلة الاربعة (مکاسب شیخ، ص ۵۴) مرحوم شیخ اعظم (ره) می فرماید: مورد بیست و دوم از انواع اکتساب محرم اعانت و کمک به ظالمین و ستمگران در جهت ظلم و ستم آنها می باشد که از گناهان کبیره و حرام می باشد و ادلة اربعة (کتاب، سنت، اجماع، عقل) بر این مطلب دلالت دارند.

پس ورام ابن ابی فراس (از کتاب شیخ طوسی (ره)) روایت کرده که امام (ع) فرمود: هرکس برای کمک به ظالم و ستمگر حرکت کند در حالی که علم دارد که او ظالم است همانا به تحقیق از دین اسلام خارج شده است. و باز می گوید که امام علی (ع) فرمود: هنگامی که روز قیامت برپا می شود منادی ندا می کند: کجایند ستمگران، کجایند یاران ستمگران؛ کجایند اشباه ستمگران، حتی اگر کسی برای آنها قلمی را بتراشد یا دواتی را اصلاح و آماده کند پس همگی در یک تابوت جمع می شوند سپس در جهنم انداخته می شوند.

و در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت شده: کسیکه تازیانه‌ای را به دست سلطانی ستمگر دهد (معنای دقیق‌تر عبارتست: کسیکه در حضور سلطانی ستمگر تازیانه‌ای را بلند کند به قصد ضرب) خداوند در روز قیامت آن را تبدیل به اژدهائی می‌کند که طول آن هفتاد هزار ذراع است پس خداوند این اژدها را بر او مسلط می‌کند و برای همیشه در جهنم خواهد بود.

خلاصه کلام: از دیدگاه شیخ اعظم انصاری (ره) اعانت به ظالم در جهت ظلم و ستم حرام و از گناهان کبیره می‌باشد و در حرمت آن شکی وجود ندارد.

دیدگاه امام خمینی (ره) در باب حرمت اعانه به ظالم فی ظلمه (مکاسب محرمه امام خمینی (ره)، صفحه ۹۳)

کمک به ظالم در جهت ظلمش بدون هیچ اشکالی حرام می‌باشد و برای اثبات حرمت آن دو دسته دلیل وجود دارد. دسته اول ادله‌ای که بر حرمت اعانت بر اثم و گناه (اعم از اینکه ظالم باشد یا گناهان دیگر) اقامه شده و ظلم نیز به عنوان یکی از گناهان مشمول این حکم حرمت می‌باشد. دسته دوم: ادله خاصی که بر حرمت اعانت ظالم در ظلمش اقامه شده و حرمت اعانت بر ظلم را اثبات می‌کند. پس در حرمت اعانت به ظالم در جهت ظلم هیچ شکی وجود ندارد.

فقط بحث و کلام و اختلاف در جهات و مسائل دیگری است از قبیل اینکه:

آیا اعانت به ظالم در جهت ظلمش مطلقاً (ظالم به هر معنا باشد، اعانت به هر میزان باشد و از هر کس با هر نیتی صادر شود) گناه کبیره و حرام است. یا مطلقاً گناه کبیره و حرام نیست یا اینکه باشد قائل به تفصیل شد به نحوی که بعداً ذکر خواهد شد. یا اینکه آیا کمک به ظالم اگر چه در جهت ظلم نباشد یعنی در امور مباح باشد آیا باز حرام است یا نه و مسائلی دیگر که بعداً خواهد آمد.

پس می‌گوییم: برای ظالم چهار معنا یا مصداق متصور است:

- ۱- ظالم کسی است که یکبار مرتکب ستم و ظلمی شود.
- ۲- ظالم کسی است که شغش ظلم و ستم می‌باشد مانند سارق، راهزن.
- ۳- ظالم کسی است که بر مسند سلطنت و حکومت جور تکیه زده است، یعنی منظور از ظالم حاکم و سلطان ستمگر می‌باشد.
- ۴- ظالم کسی است که ادعای خلافت و جانشینی پیامبر (ص) را دارد و حکومت و ولایت حق را از ائمه معصومین (س) غصب کرده است؛ یعنی خلفای جور مانند بنی امیه و بنی عباس.

حال این سؤال مطرح است که آیا اعانت به این طوائف و دسته‌های چهارگانه کلاً حرام است و به هیچکدام از این طوائف چهارگانه نباید کمک کرد یا خیر؟ از اینجا امام راحل (ره) به نقد و بررسی روایاتی می‌پردازد که در این باب وارد شده است.

روایت اول: (مکاسب محرمة امام راحل (ره)، ص ۹۳، پاراگراف سوم) روایت طلحه بن زید از امام صادق (ع) (در سند روایت محمدبن سنان وجود دارد ولی اشکالی ندارد زیرا شیخ الطائفه طوسی (ره) فرمود که روایت طلحه مورد اعتماد است).

العامل بالظلم و المعین له و الراضی به شرکاء ثلثتهم.

کسیکه ظلم کند و کسی که او را کمک کند و کسی که به ظلم راضی باشد هر سه در گناه شریک هستند. مانند همین روایت را کنزالکراچی (روایت مرسله است) از امام باقر (ع) روایت کرده اما توضیح و تحلیل این روایت: امام راحل (ره) فرموده‌اند این روایت را سه گونه می‌شود تحلیل کرد. ۱- منظور از اینکه این سه نفر با هم شریک هستند یعنی از نظر درجه گناه و میزان عقوبت و مجازات مساوی هستند و ظلم مطلقاً (از هر کدام از اقسام چهارگانه ظالم صادر شود) از گناهان کبیره می‌باشد. همچنانکه این مطلب از بعضی روایات استفاده می‌شود بنابراین می‌شود نتیجه گرفت که اعانت به ظالم مطلقاً حرام است.

۲- تفسیر دوم این است که این سه نفر (العامل بالظلم، و المعین له، الراضی به) در یک درجه نیستند

زیرا بدیهی و روشن است که قتل گناهش بیش از رضایت به قتل و اعانت بر آن است در این صورت باید بناء کلام را بر مبالغه گذاشت؛ یعنی اینکه در روایت آمده این سه نفر شریک هستند می‌خواهد بزرگی و عظمت گناه را برساند، مانند اینکه می‌گوییم کسی که خمر بنوشد مانند کسی است که بت را بپرستد زیرا اگر گناه صغیره باشد در مورد آن نمی‌شود مبالغه کرد. پس مساوی دانستن این سه نفر از روی مبالغه دلیل بر کبیره بودن اعانت بر ظلم و رضایت به آن است به این معنا که اعانت بر ظلم و رضایت به آن مانند خود عمل به ظلم گناهی بزرگ است.

۳- تفسیر سومی که برای این روایت وجود دارد، این است که آنها در اصل گناه با هم شریک هستند نه در درجه آن؛ یعنی فقط این مطلب را اثبات می‌کند که هر سه نفر مذکور گناه کرده‌اند، اما اینکه گناه هر سه نفر کبیره باشد این مطلب را ثابت نمی‌کند.

این تفسیر و توجیه سوم مخدوش می‌باشد زیرا آنچه از ظاهر روایت بر می‌آید و از لفظ معین استفاده می‌شود این است که اعانت بر ظلم گناه می‌باشد زیرا :

دلیل اول : بعد از لفظ المعین له، الراضی به ذکر شده است و ضمیر در به ظلم بر می‌گردد پس منظور از اعانت هم، اعانت بر ظلم می‌باشد.

دلیل دوم : مناسب حکم و موضوع و اینکه بحث پیرامون اعانت به ظالم به قید ظلم می‌باشد که خود قرینه‌ای است بر اینکه منظور اعانت در جهت ظلم می‌باشد نه در غیر جهت ظلم. روایت دوم (مکاسب محرمه امام راحل (ره)، ص ۹۴، پاراگراف سوم): بروایة الصدوق باسناده عن رسول الله (ص) فی حدیث قال : من تولى خصومة ظالم او اعانه علیها نزل به ملک الموت بالبشرى بلعنه و نار جهنم و بئس المصیر. شیخ صدوق مستند از رسول خدا (ص) روایت کرده که آن حضرت فرمود : هرکس خصومه و مرافعه ظالمی را برعهده گیرد (برای اینکه آن را به نفع ظالم فیصله دهد) یا ظالم را در آن خصومت یاری کند ملک الموت بر او نازل شده و او را بشارت به لعنت و آتش جهنم خواهد داد و چه بد جایگاه و منزلگاهی است.

مانند همین روایت از رسول خدا (ص) در حدیث مناهی آمده است.

وجه استدلال به این روایت : آنچه از ظاهر لفظ «من تولى خصومة ظالم» برمی‌آید یکی از معانی زیر ممکن است باشد :

۱- پذیرفتن و کالت از طرف ظالم در آن خصومت. ۲- منظور این است که ظالم را در آن خصومت یاری کند. ۳- یا اینکه وکیل ظالم را در آن خصومت یاری کند. در این سه صورت ملک الموت او را بشارت به لعن و نفرین و آتش جهنم می‌دهد و این وعده به آتش و لعنت دلیل بر کبیره بودن گناه یعنی اعانت به ظالم می‌باشد.

۴- منظور از تولى خصومه برعهده گرفتن امر قضاوت از طرف ظالم باشد ولی این معنا، بعید می‌باشد.

روایت سوم و چهارم :

روایت ورام ابن ابی فراس که این روایت مضمرة و مرسله است از امام علی (ع) که فرمودند : هرکس برای کمک به ظالمی حرکت کند در حالیکه می‌داند او ظالم است پس همانا به تحقیق از اسلام خارج شده است و دین خود را از دست داده است. مانند همین روایت را کنزالکراچی از

رسول خدا (ص) ذکر کرده با این تفاوت که در ذیل آن به جای فقد خرج من الاسلام، خرج من الایمان آمده است. در کتاب جامع الاخبار نیز مانند این روایت آمده است و از سیدفضل الله رواندی در کتاب نوادر، با سند صحیح (به شهادت محدث نوری در کتاب مستدرک) از موسی بن جعفر (ع) از رسول الله روایت شده است: (روایت چهارم)

قال رسول الله (ص) من نکث بیعه او رفع لواء ضلاله او کتم علماً او اعتقل مالملاً ظلماً او اعان ظالمماً علی ظلمه و هو یعلم انه ظالم فقد بری من الاسلام.

ترجمه: کسی که بیعتی را بشکند، یا پرچم ضلالت و گمراهی را برافشاند یا علمی را پنهان کند یا مالی را ظالمانه محبوس کند، یا ظالمی را بر ظلمش یاری کند در حالیکه علم به ظالم بودن او داشته باشد از دین اسلام خارج شده است.

وجه دلالت روایت مذکور بر مطلوب یعنی حرمت اعانت بر ظلم و کبیره بودن آن: در این روایت بسیار مبالغه شده و اعانت بر ظلم را باعث خروج از اسلام و ایمان دانسته است و بدیهی و روشن است که این خروج و براءت از اسلام و ایمان به معنای حقیقی آن نیست (زیرا معنای حقیقی خروج از اسلام و ایمان، کافر شدن است و معلوم است که اعانت به ظالم سبب کفر نمی شود) بلکه بر سبیل مبالغه است و مبالغه در مورد گناه صغیره، صحیح و نیکو نمی باشد اگر چه گاهی در بعضی موارد صحیح باشد. اما آنچه از این روایت و الفاظ بکار رفته در آنها فهمیده می شود کبیره بودن اعانت بر ظلم در نظر گوینده است.

خلاصه کلام اینکه: این روایات بدون هیچ اشکالی بر حرمت اعانت بر ظلم و کبیره بودن آن دلالت دارند خصوصاً در روایت اخیر که لفظ نکث بیعه (پیمان شکنی) و رفع لواء ضلالت به کار رفته که بیشتر این مطلب را اثبات می کند.

دیدگاه مرحوم خوئی در باب اعانت به ظالم در جهت ظلم

ظاهراً کمک به ظالمین و ستمگران جایز نمی باشد و بر این مسئله همه مسلمانان، بلکه همه عقلاء و خردمندان عالم اتفاق نظر دارند حتی جمع زیادی از علمای شیعه و سنی به حرمت اعانت بر مطلق حرام و حرمت مقدمات آن ملتزم شده اند.

ادله‌ای که بر حرمت اعانت ظالم فی ظلمه اقامه شده عبارتند از:

۱- عقل: یعنی هر انسان عاقلی ظلم و اعانت به آن را قبیح و زشت می داند در نتیجه حرام



نیز می‌باشد. (کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع)

۲- اجماع، ۳- کتاب خدا: در قرآن مجید آمده است: «و لا ترکوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار» به سوی ستمگران میل نکنید و به آنها نزدیک نشوید زیرا در این صورت دچار آتش عذاب الهی خواهید شد.

وجه استدلال به آیه شریفه: منظور از رکون که در آیه شریفه از آن نهی شده و حرام دانسته شده است یکی از این دو معنا ممکن است باشد: ۱- میل به ستمگران و ظالمین پس به طریق اولی، دلالت بر حرمت اعانت و کمک به ظالمین دارد زیرا رکون و میل مرحله‌ای نازل‌تر و ضعیف‌تر از اعانت است؛ وقتی که رکون حرام باشد به طریق اولی اعانت و کمک نیز حرام می‌باشد. ۲- یا اینکه منظور از رکون محرم همان داخل شدن در ظلم ظالمین باشد، یعنی رکون و اعانت مترادف و هم‌معنی باشند که در این صورت هم دلالت بر حرمت اعانت دارد.

مرحوم خوئی تذکر می‌دهند که بعضی از فقهاء گرانقدر (در کتاب مستند و غیره) برای اثبات حرمت اعانت به ظالم به آیه شریفه «و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» استدلال کرده‌اند ولی این آیه شریفه این مطلب را اثبات نمی‌کند زیرا: در این آیه شریفه لفظ تعاون بکار رفته و تعاون غیر از اعانت است زیرا تعاون از باب تفاعل و اعانت از باب افعال و معنای آنها با هم فرق می‌کند پس حرمت یکی از آن دو به دیگری سرایت نمی‌کند.

۴- دلیل چهارم اثبات حرمت اعانت به ظالم فی ظلمه الروایات المستفیضة بل المتواتره. (مصباح الفقاهه، ص ۱۴۱)

از نظر مرحوم خوئی چهارمین دلیل برای اثبات حرمت اعانت به ظالم در ظلم روایت مستفیضة (کمتر از حد تواتر) یا متواتره‌ای است که در این باب ذکر شده و آمده است.

دیدگاه مرحوم ایروانی در باب حرمت اعانت به ظالم فی ظلمه

مرحوم ایروانی این موضوع را در مبحث معونه الظالمین ذکر نکرده‌اند بلکه در بحث حرمت اعانت بر مطلق اثر (اعم از ظلم) بیان فرموده‌اند به این معنا که ظلم یکی از مصادیق اثم و گناه است و چون اعانت بر اثم، حرام است در نتیجه اعانت بر ظلم نیز حرام است.

(الظلم اثم، و الاعانه علی الاثم حرام، پس الاعانه علی الظلم حرام ایضاً)

المبحث الثانی اعانه الظالم فی غیر جهة الظلم

دیدگاه شیخ اعظم انصاری (ره) در باب اعانه الظالم فی غیر جهة الظلم



اما کمک به ظلمه و ستمگران در کارهایی که حرام نیست (مانند خیاطی، بنائی و ...) ظاهراً بیشتری از اخبار دلالت بر حرمت آن دارند؛ مانند بعضی از اخبار که قبلاً ذکر شده و همچنین اخبار زیر:

۱- قول الصادق (ع) فی روایه یونس بن یعقوب «لا تعنهم علی بناء مسجد» ظلمه را حتی در ساختن مسجد یاری نکن.

۲- قول الصادق (ع) در روایت ابن ابی یعفور که فرموده‌اند: ما احب انی عقدت لهم عقده او وکیت لهم وکاء و ان لی با بین لابتیها و لامده بقلم ان اعوان الظلمه یوم القیامه فی سرادق من نار حتی یفرغ الله من الحساب.

ترجمه: من دوست ندارم که حتی گره‌ای برای آنها ببندم یا اینکه بند مشک آنها را ببندم (سرمشک آنها را با ریسمانی ببندم) اگر چه مزد این کار مالکیت بر شرق تا غرب مدینه باشد، نه، من این را انجام نمی‌دهم. حتی دوست ندارم یک بار قلمی را برای استفاده ظالم در دوات فرو ببرم بدرستی که یاران ظلمه در روز قیامت در خیمه‌ای از آتش می‌باشند تا اینکه خداوند به حساب بندگان دیگر رسیدگی کند.

قول مشهور: اما مشهور بین فقهاء این است که کمک به ظالمین در کارهای مباح حرام نمی‌باشد زیرا آنها اعانت حرام را، مقید به ظلم کرده‌اند یعنی فقط در موارد ظلم، کمک به ستمگران حرام می‌باشد.

اقوی: (مکاسب شیخ، ص ۴۴، سطر ۳۰) اما اقوی این است که قائل شویم اعانت به ظالمین در امور مباح بر دو نوع است:

نوع اول: گاهی کمک به نحوی است که انسان از اعوان و یاران ظلمه به حساب می‌آید؛ یعنی اعانت به ظالم (از نظر کمیت و کیفیت) به گونه‌ای است که شخص معین از حزب و گروه آنها محسوب می‌شود در این صورت شکی در حرمت کمک و اعانت وجود ندارد؛ زیرا صرف کمک کردن در ساختن مسجد حرام نیست مگر اینکه شخص به عنوان معمار یا بنا ظالم محسوب شود. ولی در خصوص مسجد در صورتی که اعانت به ساختن مسجد، منصب و عنوانی برای او در دستگاه سلطان باشد، این چنین اعانتی حرام می‌باشد و تمام روایتی که در مذمت اموال ظلمه وارد شده بر این مطلب دلالت دارند. همچنین فرموده ابی عبدالله امام صادق (ع) را:



۱- روایت کاهلی: (مکاسب شیخ، ص ۵۴، سطر ۳۰) من سود اسمه فی دیوان ولد سابع حشره الله یوم القیامه خنزیرا.

هرکس اسم خود را در دیوان بنی عباس ثبت کند و از کارگزاران و عمال آنها محسوب شود، خداوند روز قیامت او را به صورت خوک محشور خواهد کرد.

(گفته شده منظور از ولد سابع، بنی عباس است که مقلوب ذکر شده به جهت تقیه)

۲- از امام صادق (ع) ما اقترَب عبد من سلطان جائر الا تباعد من الله. (کتاب المکاسب، ص ۵۴، سطر ۳۰)

هیچ بنده‌ای به سلطانی ستمگر نزدیک نمی‌شود مگر اینکه به همان میزان از خداوند دور می‌شود.

۳- و از پیامبر اکرم (ص) روایت شده: ایاکم و ابواب السلطان و حواشیها فان اقربکم من ابواب السلطان و حواشیها، ابعدکم عن الله تعالی. (کتاب المکاسب، ص ۵۴، سطر ۳۱) بپرهیزید از بارگاه سلطان و اطراف آن، زیرا بدرستی که نزدیکترین شما به بارگاه سلطان، دورترین شما از خداوند متعال است. که همه این روایات دلالت دارند که اعانت به ظالم و خود را از جمله و گروه آنها قرار دادن، حرام است.

نوع دوم: (کتاب المکاسب، ص ۵۴، سطر ۳۲) اما کار کردن و کمک به ظالمین در امور مباح چه با اجرت باشد چه بدون اجرت بدون اینکه انسان معین آنها به حساب آید تا چه رسد که از اعوان و یاران و حزب آنها محسوب شود پس اولی و بهتر آن است که قائل به عدم حرمت آن شویم به دو دلیل:

دلیل اول: اصاله الاباحه؛ زیرا اصل اولیه کارها، مباح بودن آنها می‌باشد مادامی که نهی و منعی درباره آنها نرسیده باشد.

دلیل دوم: دلیلی از آیات و روایات برای اثبات این مطلب وجود ندارد فقط ظاهر بعضی از اخبار دلالت بر حرمت اعانت به ظالم حتی در امور مباح دارد که این اخبار هم قابل تفسیر و توجیه منطقی می‌باشند، مانند:

۱- روایت ابن ابی یعفر (کتاب المکاسب، ص ۵۴، سطر ۳۳): قال كنت عند ابی عبدالله (ع) اذ دخل رجل من اصحابنا فقال له جعلت فداک ربما اصاب الرجل منا الضیق و الشده فیدعی الی البناء ینبیه او النهر ینکره او المسناه ینصلحها

فما تقول فی ذلک. فقال ابو عبدالله (ع) ما احب انی عقدت لهم عقده او و کیت لهم وکاء و ان لی ما بین لابتیها...

ابن ابی یعفور می گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که مردی از اصحاب ما وارد شد و گفت: فدایت گردم چه بسا مردی از ما دچار سختی و تنگدستی و مشقت شود در همین حال از او دعوت شود که ساختمانی را بسازد یا نهری را لایه‌روبی کند یا سدی را درست و اصلاح کند نظر شما درباره این کار چیست؟ امام (ع) فرمود: بدرستی که من دوست نمی‌دارم حتی گره‌ای برای آنها ببندم یا بند مشک آنها را محکم کنم و ببندم اگر چه مزد این کار مالکیت بر شرق تا غرب مدینه باشد. (مدینه و اطراف آن) که از این روایت استفاده می‌شود که حتی در امور مباح هم کمک به ظلمه جایز نیست.

۲- روایت محمدبن عذافر (کتاب المکاسب، ص ۵۴ سطر ۳۵ پایان صفحه) عن ابیه قال، قال لی ابو عبدالله (ع) یا عذافر بلغنی انک تعامل ابا ایوب و ابا الربیع فما حالک اذا نودی بک فی اعوان الظلمه قال فوجم ابی فقال له ابو عبدالله (ع) کما رای ما اصابه‌ای عذافر انما خوفتک بما خوفتی الله عز و جل به قال محمد فقدم ابی فما زال مغموماً مکروباً حتی مات.

ترجمه: محمدبن عذافر از پدرش نقل می‌کند که گفت: امام صادق (ع) به من فرمود: ای عذافر به من خبر رسیده که تو با ابا ایوب و ابا الربیع معامله می‌کنی (این ۲ نفر از ظلمه بوده‌اند) پس حالت چگونه خواهد بود آن زمان که روز قیامت تو را به عنوان اعوان و یاران ظلمه ندا دهند. محمدبن عذافر می‌گوید پس پدرم از شدت خوف و هراس ساکت شد. امام صادق (ع) وقتی که خوف و هراس عذافر را مشاهده فرمود به او گفت: ای عذافر من فقط تو را از آن چیزی بیم دادم که خداوند عزیز و بلندمرتبه من را به آن بیم داده است. محمدبن عذافر می‌گوید پدرم آمد و پیوسته غمگین و اندوهناک بود تا از دنیا رفت.

۳- سومین روایتی که شیخ اعظم (ره) برای اثبات حرمت اعانت ظالم مطلقاً ذکر می‌کنند روایت صفوان بن مهران الجمال (کتاب المکاسب، ص ۵۵ سطر اول) قال دخلت علی ابن الحسن الاول (ع) فقال لی یا صفوان کل شیء منک حسن جمیل ما خلا شیئاً واحداً فقلت جعلت فداک ای شیء. قال (ع) اکرائک جمالک من هذا الرجل یعنی هارون الرشید. قلت و الله ما اکریته اشراً و لا بطراً و لا لصید و لا للهو و لکن اکریته لهذا الطریق یعنی طریق مکه و لا اتولاه بنفسی بل ابعث معه غلماناً فقال لی یا صفوان لیقع کرائک علیهم. قلت نعم جعلت فداک قال: اتحب بقائهم حتی



یخرج کرائک. قلت نعم. قال من احب بقائهم فهو منهم و من کان منهم کان ورده الی النار قال صفوان فذهبت فبعت جمالی عن آخرها فبلغ ذلك الی هارون فدعانی فقال لی یا صفوان بلغنی انک بعث جمالک قلت نعم. قال و لم. قلت انا شیخ کبیر و ان العلمان لا یقومون بالاعمال فقال هیهات انی لاعلم من اشار علیک بهذا انما اشار علیک بهذا موسی بن جعفر (ع) قلت مالی و لموسی بن جعفر (ع) قال دع هدا عنک و الله لو لا حسن صحبتک لقتلتک.

ترجمه : صفوان می گوید : بر امام موسی بن جعفر (ع) وارد شدم پس به من فرمود ای صفوان همه چیز تو پسندیده و نیکوست مگر یک چیز. عرض کردم فدایت شوم آن چه چیزی است فرمود : اینکه شترانت را به این مرد یعنی هارون الرشید کرایه داده‌ای. پس گفتم من آنها را به جهت خوشگذرانی و عیش و نوش و صید و لهو و لعب کرایه نداده‌ام بلکه فقط برای این راه، یعنی راه مکه کرایه داده‌ام، در ضمن خودم نیز این کار را بعهده نگرفته‌ام بلکه غلامان و خدمتکارانم همراه کاروان و متولی آن هستند. امام (ع) فرمود ای صفوان آیا مزد و اجرت تو بر عهده او قرار می‌گیرد. گفتم بله فدایت گردم. حضرت فرمود : آیا دوست داری آنها زنده بمانند تا کرایه تو را بپردازند؟ گفتم بله؛ پس امام (ع) فرمود هرکس خواستار ادامه حیات آنها باشد پس از جمله آنان خواهد بود و هرکس از آنها باشد در آتش جهنم الهی خواهد افتاد. صفوان می‌گوید پس رفتم و همه شترانم را تا به آخر فروختم این خبر به هارون الرشید رسید من را طلبید و گفت : ای صفوان به من خبر رسیده که شترانت را فروخته‌ای، گفتم بله. گفت برای چه، گفتم من پیری کهنسال هستم و خدمتکاران و غلامان نیز کار خود را خوب انجام نمی‌دهند. هارون گفت نه هرگز این چنین نیست من می‌دانم چه کسی تو را به این کار، راهنمایی کرده است. همانا فقط موسی بن جعفر (ع) تو را به این کار دلالت و راهنمایی کرده. گفتم من چه کار دارم به موسی بن جعفر. هارون گفت : این مطلب را از خودت فرو گذار و مگو به خدا قسم اگر سابقه رفاقت و دوستی من با تو نبوده، هر آن تو را می‌کشتم.

۴- چهارمین مورد برای اثبات حرمت اعانت به ظالم (البته ظاهراً) روایاتی است که در تفسیر رکون به ظالم رسیده (و لاترکونوا الی الذین ظلموا) به این بیان که مرد نزد سلطان می‌رود پس دوست دارد او زنده بماند تا اینکه دست در جیب خود کرده و مالی به او عطا کند.

۵- پنجمین مورد روایاتی است که ظهور دارند در اینکه باید از سلاطین و ظالمین دوری کرد. و به همین علت وقتی مردی از یک عالمی پرسید من مردی هستم که برای سلطان خیاطی

می‌کنم و لباس می‌دوزم آیا من هم از اعوان ظلمه محسوب می‌شوم. جواب داد آن کسی که به تو نخ و سوزن می‌فروشد از اعوان ظلمه است اما تو از خود ظلمه هستی نه از اعوان ظلمه.

ع. روایت سلیمان جعفری (مکاسب شیخ، ص ۵۵، سطر ۹) از تفسیر عیاشی که در آن آمده است:

الدخول فی اعمالهم و العون لهم و السعی فی خوابئهم عدیل الکفر و النظر الیهم علی العمد من الکبائر.

داخل شدن در کارهای ظلمه و کمک به آنها و تلاش در جهت رفع حوائج آنها همپایه فکر است و نگاه کردن به آنها از روی عمد از گناهان کبیره است.

ملاحظه می‌شود که ظاهر این روایت دلالت بر حرمة اعانت به ظالم دارند مطلقاً حتی در مباحات. لکن الانصاف: (مکاسب شیخ، ص ۵۵، سطر ۱۰) ولی انصاف آن است که هیچ کدام از روایات مذکوره دلالت بر حرمت اعانت به ظالم در غیر محرمات ندارند (به گونه‌ای که از اعوان محسوب نشود).

جواب روایه ابن ابی یعفر: (مکاسب شیخ، ص ۵۵، سطر ۱۱) در روایت امام (ع) لفظ ما احب بکار رفته و این لفظ دلالت بر کراهت دارد نه حرمت و اینکه در ادامه حدیث آمده است: «ان اعوان الظلمه یوم القیامه فی سراق من نار» یاران ستمگران روز قیامت در خیمه‌ای از آتش خواهند بود، می‌خواهد این مطلب را بیان کند که مرادوت و همنشینی با ظلمه پسندیده نیست نه اینکه کارهایی مانند خیاطی و بنائی و ... مانند آن را بیان کند.

جواب روایت عذافر (مکاسب شیخ، ص ۵۵، سطر ۱۳): اولاً با یکبار یا دوبار معامله آن طور اگر اضطراری باشد انسان از اعوان ظلمه محسوب نمی‌شود.

ثانیاً: شاید معامله عذافر با ابی ایوب به نحوی بوده یعنی آنقدر زیاد بوده که او از اعوان و یاران به حساب می‌آمده است.

جواب روایت صفوان: (مکاسب شیخ، ص ۵۵، سطر ۱۳) آنچه از ظاهر روایت برمی‌آید نفس معامله با ظلمه حرام نیست. بلکه از جهت دوست داشتن بقاء و زندگانی آنها حرام است اگر چه معامله‌ای در کار نباشد زیرا بر هیچ انسان باهوش و آشنا به شیوه‌های سخن پنهان نیست که منظور امام (ع) از لفظ «من احب بقائهم فهو منهم» محبتی مانند محبت صفوان نیست زیرا صفوان واقعاً آنها را دوست ندارد بلکه می‌خواهد آنها زنده باشند تا کرایه خود را بگیرد. در واقع امام (ع) می‌خواهد بفرمایند از افرادی مانند هارون الرشید دوری کنید زیرا رفت و آمدها و معامله کردن

و نشست و برخاست کم کم باعث می شود محبت آن افراد در دل انسان جاگیرد زیرا دل و قلب آدمی اسیر محبت است و با آن جذب می شود.

خلاصه نظر شیخ اعظم: از آنچه ذکر کردیم روشن شد اعانت به ظلمه در ۲ صورت حرام است. ۱- اعانت به ظلمه در جهت ظلم و ستم، ۲- اعانت در غیر جهت ظلم ولی به گونه ای باشد که انسان از اعوان و یاران و حزب آنها محسوب شود؛ در غیر این دو مورد هیچ دلیلی بر تحریم آن وجود ندارد.

دیدگاه امام خمینی (ره) در باب اعانه الظالمین فی غیر المحرمات

امام راحل (ره) در صفحه ۹۶ مکاسب محرمه پاراگراف اول می فرماید: اخبار مذکور هیچ دلالتی بر حرمت اعانت در غیر مورد ظلم ندارد برای اینکه آنچه از ظاهر روایات حتی غیر روایت اخیره (منظور از روایت اخیره، روایت سیدفضل الله راوندی از موسی بن جعفر (ع) است که فرمود: قال رسول الله من نکث بیعه او رفع لواء ضلاله ...) بر می آید منظور حرمت اعانت بر ظلم است نه حرمت اعانت مطلقاً (چه در ظلم باشد چه در مباحات و مستحبات) حتی اگر بگوییم روایات دلالت بر حرمت اعانت بر ظلم بخصوصه ندارد، لاقلاً اطلاق هم ندارند. به بیان واضح تر، نهایت چیزی که می توان گفت این است که روایات اگر مقید به قید ظلم نیستند مطلق هم نیستند. البته این روایات محفوف به قرائتی هستند که فقط دلالت بر حرمت اعانت بر ظلم دارند؛ یعنی این قرائن، روایات را مقید می کنند. ولی در روایات اخیره، قید ظلم صراحتاً ذکر شده (...) او اعان ظلماً علی ظلمه (...) و مقتضای تقیید دخالت قید در حکم می باشد. پس این قید، روایات را اگر مطلق باشند، مقید و اگر مجمل باشند، اجمال آنها را برطرف می کند.

دفع و هم « ممکن است اینطور تصور شود که این سخن رسول الله (ص) من تولى خصومه ظالم او اعانه علیها دلالت بر اعم می کند (اعم از اینکه ظلم باشد یا نباشد) زیرا که لفظ مطلق ذکر شده و شامل خصومت در همه موارد اعم از ظلم و غیر ظلم می شود.

جواب: ۱- اما این تصور و توهم ضعیف و مخالف فهم عرف می باشد زیرا آن چه عرفاً از روایت فهمیده می شود فقط خصومت در موارد ظلم است و روایت اطلاق ندارد.

۲- در صورتی که در روایت مذکوره، اراده اطلاق شده باشد ذکر لفظ خصومه فقط ریال بعید می باشد یعنی ذکر این لفظ بخصوصه لازم نبود.

۳- و بر فرض تسلیم به اینکه روایت مطلق است و همه موارد (ظلم و غیرظلم) را شامل می‌شود روایت ضعیف است لذا نمی‌توان به آن استناد کرد. ولی بعید نیست که قائل شویم فقط اعانت بر ظلم از گناهان کبیره است به جهت روایات معتبر و صحیحی که در این باب آمده است و روایت راوندی را ندیدم تا در سندش دقت و تفحص کنم.

از اینجا به بررسی نظرات امام راحل درباره روایاتی می‌پردازیم که ظاهراً دلالت بر حرمت اعانت به ظلمه مطلقاً دارند و تحلیل و نقد امام عزیز راحل را درباره آنها بیان می‌کنیم البته برای جلوگیری از طولانی شدن بحث به بررسی بعضی روایات (خصوصاً روایاتی که شیخ اعظم انصاری (ره) بیان فرموده‌اند) می‌پردازیم و نظر امام راحل را درباره آنها بیان می‌کنیم.

الف) روایت ابن ابی یعفور، که در صفحه ۹۶ مکاسب محرمه پاراگراف آخر آمده است. ترجمه روایت ابن ابی یعفور در صفحه ۱۸ همین رساله آمده است لذا از تکرار آن خودداری می‌کنیم. امام (ره) می‌فرماید اگر چه ابتدای روایت در رابطه با خلفاء جور و امیران منصوب از طرف آنهاست، ولی ذیل روایت (ان اعوان الظلمه ...) به منزله یک کبری کلیه است که همه اقسام ظلمه را شامل می‌شود چه سلاطین جور باشند چه خلفاء جور و چه راهزنان و کسانی که شغلشان ظلم و ستم است.

۱- در رابطه با این حدیث امام (ره) مطالب ارزشمند دیگری را بیان می‌کنند که من حذراً من اطاله الکلام از ذکر آنها خودداری می‌کنم و فقط تحقیق مطلب را از بیان امام (ره) ذکر می‌کنم. و التحقیق ان یقال: (مکاسب محرمه، ص ۹۷، سطر پایان صفحه) این سخن امام (ع) (ان اعوان الظلمه...) برای آنها چند ظهور است. ۱- ظهور لفظ ظلمه در امراء و سلاطین و خلفاء و مانند آنها یا ظهور دارد در اعم از خلفاء و سلاطین و کسانی که شغلشان ظلم و ستم است یعنی هم شامل سلاطین جور و خلفاء جور می‌شود و هم شامل راهزنان و امثالهم.

۲- لفظ اعوان ظهور دارد (ولو این ظهور به اعتبار اضافه شدن اعوان به ظلمه باشد) در کسی که شغلش کمک و اعانت به ظالم است مانند سرباز و قاضی و کاتب و مانند آنها و شامل کسانی نمی‌شود که فقط در یک مورد یا دو مورد کمک کنند زیرا در این صورت چنین کسانی از اعوان ظلمه محسوب نمی‌شود. ۳- ظهور جمله ولو به قرینه حکم و موضوع و اضافه شدن اعانت به موصوف به وصف عالم (یعنی اعانة الظالم به وصف ظلم حرام است پس صفت ظلم در حرمت اعانت، مداخلیت دارد) در اینکه منظور از معین، معین و یاور بر ظلم می‌باشد مانند کارگزاران و

عمال خلفاء و سلاطین از هر نوع و قسمی که باشند.

خلاصه کلام اینکه ذیل روایت در سه مطلب ظهور دارد (ظهوراتی که با ابتدای روایت مخالف است) در این حال یک تعارض بدوی بوجود می‌آید. بین ظهور دوم و سوم و این قول امام (ع) در ابتدای روایت ما احب انی عقدت لهم عقده... من دوست نمی‌دارم که حتی گره‌ای برای آنها ببندم و ... زیرا این عبارت امام (ع) در صدر روایت دلالت بر حرمت اعانت مطلقاً دارد نه حرمت اعانت فقط در مورد ظلم. بلکه تعارض بوجود می‌آید بین ظهور دوم و سوم یا فقط ظهور سوم و بین مواردی که در سؤال مذکور در روایت آمده (مواردی از قبیل بنائی و اصلاح سر و ...) زیرا اینگونه اعمال از مصادیق اعانت بر ظلم نمی‌باشد. پس صدر روایت می‌گوید اعانت مطلقاً حرام است و ذیل روایت می‌گوید اعانت بر ظلم حرام است و بین آنها تعارض وجود دارد. حال از ظاهر صدر روایت صرف‌نظر کنیم یا از ظاهر ذیل روایت. امام می‌فرمایند:

والا ظهر و لو بمناسبه الحکم و الموضوع (مکاسب محرمه، ص ۹۸، پاراگراف اول) و ... اظهر و بهتر آن است که بگوییم کبری مذکوره در روایت خود قرینه است بر یکی از این دو معنا: معنای اول: داخل شدن در دیوان و دستگاه ظلمه و از حزب و گروه آنها شدن، حرام است زیرا مستلزم کمک به آنها در جهت ظلم و ستم می‌باشد. معنای دوم: اعانت به ظلمه در جهت ظلم، حرام است. و دلیل بر اظهریت این نظریه دو دلیل است: ۱- مناسب و قرینه حکم و موضوع؛ زیرا بحث درباره اعانت به ظالم، به وصف ظلم می‌باشد پس قید ظلم در حکم مدخلیت دارد و اعانت در ظلم حرام می‌باشد.

۲- و به دلیل اینکه امام (ع) ظاهراً به کبری مذکوره در ذیل روایت استشهاد کرده و آن را دلیل بر حرمت اعانت قرار داده است پس مدلول کبری مذکوره در ذیل روایت (حرمت اعانت به ظالم در جهت ظلم) اظهر و روشن‌تر از مدلول صدر روایت (حرمت اعانه مطلقاً) می‌باشد.

ب: روایت دوم روایتی است که شیخ اعظم در ص ۵۴ سطر ۲۵ آن را از رسول خدا (ص) ذکر کرده‌اند و امام راحل نیز در صفحه صد مکاسب محرمه پاراگراف سوم به آن اشاره فرموده‌اند؛ به این بیان: من علق سوطاً بین یدی سلطان جائر جعلها الله حیه طولها سبعون الف ذراع فیسلط الله علیه فی نار جهنم خالداً فیها مخالداً. هر کس تازیانه‌ای را در حضور سلطانی ستمگر آویزان کند و حرکت دهد خداوند آن را تبدیل به اژدهائی خواهد کرد که هفتاد هزار ذراع طول دارد و آن را بر او مسلط می‌کند و برای همیشه در جهنم خواهد بود. امام (ره) می‌فرمایند این روایت فقط بر

حرمت اعانت بر ظلم دلالت دارد و بعید نیست که منظور از سوط در این روایت، جلادی باشد که شغلش ضرب و شتم مظلومین و مجرمین در نظر حاکم جور باشد؛ در این صورت وی از ظلمه و اعوان ظلمه محسوب می‌شود.

ج: روایت کاهلی: این روایت را شیخ اعظم نیز در مکاسب محرمه ص ۵۴ ذکر کرده است و روایت این است: من سود اسمه فی دیوان ولد سابع حشره الله یوم القیامه خنزیراً. هر کس نامش را در دیوان و دستگاه بنی‌عباس ثبت کند خداوند او را روز قیامت به صورت خوک محشور خواهد کرد. روایات دیگری نیز قریب به همین مضمون وارد شده است. امام راحل (ره) در توضیح اینگونه روایات می‌فرمایند: منظور از این روایات، حرمت داخل شدن در دیوان و دستگاه ظالم یا حاکم جور است مانند پلیس و سرباز و قاضی و امیر و اطرافیان سلطان و مانند آنها نه اینکه منظور مانند خیاط و بناء و معمار باشد آنچنانکه شیخ اعظم انصاری (ره) فرموده‌اند. قبلاً نیز گفتیم که روایاتی که درباره اعوان ظلمه وارد شده است ظهور یا انصراف دارد به اعوان ظلمه در موارد ظلم و ستم نه اینکه منظور اعوان به معنای مطلق باشد که حتی شامل خیاطی و بنائی و ... بشود آنچه از ظاهر روایات گذشته برمی‌آید داخل شدن در دیوان و دستگاه ظلمه حرام است به دلائل زیر:

- ۱- زیرا باعث اعانت بر ظلم می‌شود.
- ۲- باعث تثبیت پایه‌های حکومت آنها و اقتدار و قدرتمند شدن آنها می‌شود.
- ۳- داخل شدن در حکومت آنها باعث کمک به حکومت جائرانه و ظالمانه آنها می‌شود. پس داخل شدن در دیوان ظلمه حرمت ذاتی ندارد (اگر چه اقتضای جمود بر ظاهر بعضی از روایات حرمت ذاتی آن است) بلکه به علت اینکه مستلزم معاصی و محرّمات دیگری از قبیل اعانت بر ظلم و تقویت حکومت و اقتدار آنها می‌شود، حرام می‌باشد.
- د- چهارمین روایت (مکاسب محرمه امام (ره)، ص ۱۰۲، پاراگراف دوم)، روایت یونس بن یعقوب است که در این روایت آمده است: «لا تعنهم علی بناء مسجد» ظلمه را حتی در ساختن مسجد کمک نکن. امام راحل (ره) در توضیح این روایت می‌فرمایند منظور از کمک کردن در ساختن مسجد، مطلق کار کردن برای ساختن مسجد نیست یعنی اگر کسی برای رفع احتیاجات خود، در ساختن مسجد کمک کند بدون اینکه توجهی به ظالم و حاکم جور داشته باشد به اینگونه کار کردن، اعانت به ظالم نمی‌گویند یعنی اعانت به ظالم معنائی اخص دارد و فقط شامل اعانت به ظالم در ظلم می‌شود نه اینکه مواردی مانند ساختن مسجد را نیز دربر گیرد همانگونه که به



تاجری که برای اغراض و مصالح و حوائج شخصی خود تجارت می کند چه با فقیر معامله کند چه با ظالم، به این تاجر معین فقیران یا معین ظلمه گفته نمی شود.

بله اگر شخص مذکور خودش را وقف ساختن مسجد برای ظالم کند و آن را از بین ساختمان های دیگر انتخاب کند به قصد کمک به ظالم یا اینکه تاجری خودش را وقف معامله با ظالم و کار برای او کند ممکن است به چنین شخصی گفته شود که معین ظلمه است و ممکن است نظر شیخ اعظم (ره) نیز همین معنا باشد یعنی منظور از خیاط سلطان و بناء سلطان کسی است که خودش را وقف این کار کند و نیتش هم خدمت به ظالم باشد نه رفع حوائج خود.

هـ: پنجمین روایت، روایت صفوان (مکاسب محرمه امام (ره)، ص ۱۰۲، پاراگراف سوم) است قال دخلت علی ابن الحسن الاول (ع) فقال یا صفوان کل شیء منک حسن جمیل ما خلا شیئاً واحداً. قلت جعلت فداک ای شیء قال: اکراءک جمالک من هذا الرجل یعنی هارون الرشید. قلت: و الله ما اکریته اشراً و لا بطراً الی ان قال: اتحب بقائهم حتی یخرج کراءک. قلت نعم. قال: من احب بقائهم فهو منهم و من کان منهم کان ورد النار.

امام راحل (ره) در توضیح روایت صفوان می فرمایند: در صدر روایت آمده است که ای صفوان همه چیز تو خوب است مگر یک چیز که همان کرایه دادن شترانت به هارون است. اولاً: خوب نبودن و زیبا نبودن دلیل بر حرام بودن نیست بلکه معنائی اعم از حرمت دارد که شامل موارد مکروه نیز می شود و شاید منظور همین کراهت باشد.

ثانیاً: امام (ع) در روایت فرموده اند کرایه دادن شترانت به هارون باعث این می شود که تو دوست داشته باشی او زنده باشد تا کرایه تو را بپردازد و دوست داشتن او جایز نیست.

از این تعلیل روشن می شود که خود کرایه دادن حرام نیست بلکه از جهت اینکه مستلزم دوست داشتن زندگانی هارون به عنوان یک ظالم می شود، حرام است؛ به عبارت روشن تر کرایه دادن، حرمت ذاتی ندارد، زیرا اگر خود کرایه دادن حرام بود امام (ع) به امر دیگری (دوست داشتن زندگی هارون) استناد نمی کرد. خلاصه کلام اینکه کار کردن برای ظلمه به جهت رفع احتیاجات شخصی (در امور مباح) حرام نمی باشد. اما مسئله بقاء و حرام بودن یا نبودن آن خارج از موضوع بحث ماست و بر فرض هم که حرام باشد موجب تحریم امر دیگری که همان کرایه دادن است نمی شود.

و- ششمین روایت، روایت سلیمان جعفری است (مکاسب محرمه، ص ۱۰۴، پاراگراف اول) عن

تفسیر العیاشی عن سلیمان الجعفری قال : قلت لابی الحسن الاول (ع) ما تقول فی اعمال السلطان. فقال : یا سلیمان الدخول فی اعمالهم و العون لهم و السعی فی حوائجهم عدیل الکفر و النظر الیهم علی العمد من الكبائر التي يستحق بها النار.

سلیمان جعفری می‌گوید : به امام موسی بن جعفر (ع) عرض کردم نظر شما درباره کمک کردن و کار برای حاکم و سلطان چیست؟ پس امام (ع) فرمود ای سلیمان داخل شدن در کارهای ظلمه و کمک به آنها و تلاش در جهت رفع حوائج آنها، همپایه کفر است و نگاه کردن به آنها از روی عمد از گناهان کبیره است. و یا جمله‌ای که در روایات اسراء از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده لاتکن عوناً للظالمین به ستمگران کمک نکن و یاور آنها مباش. امام راحل (ره) در توضیح این روایت می‌فرماید :

اولاً : آنچه از ظاهر روایت استفاده می‌شود یا اینکه روایت به آن انصراف دارد ولو به قرینه حکم و موضوع (زیرا بحث پیرامون اعانه الظالمین است پس وصف ظلم مدخلیت دارد در حکم حرمت) منظور از اعانت، اعانت بر ظلم می‌باشد نه اعانت مطلقاً، خصوصاً اینکه در بعضی روایات قید ظلم صراحتاً ذکر شده است.

ثانیاً : آنچه از ظاهر روایت برمی‌آید منظور از سلطان، بنی‌عباس (لح) می‌باشند و سوال و جواب مطروحه در روایت بر این مطلب، دلالت می‌کند. زیرا بنی‌عباس در آن زمان حاکم بودند پس بعید نیست که بگوییم اعانت به خلفاء جور (بنی‌عباس و بنی‌امیه) مطلقاً حرام است؛ چه در ظلم باشد چه در مباحات و تلاش در جهت رفع حوائج آنها و داخل شدن در اعمال آنها و حتی نگاه کردن به آنها حرام است.

البته باید بند آخر حدیث را (نگاه کردن به آنها از روی عمد) توجیه کرد زیرا نمی‌شود نگاه کردن را گناه کبیره دانست، حتی اگر نگاه به خلفاء جور باشد.

البته امکان خدشه در سند روایت بالا (روایت سلیمان جعفری) وجود ندارد زیرا اگر چه عیاشی و سلیمان جعفری هر دو ثقه هستند و مورد اعتماد می‌باشند ولی سند روایت تا عیاشی روشن نیست و اینکه معروف بودن روایت، باعث بی‌نیازی ما از سند روایت شود، این مطلب ظاهر و روشن نیست صاحب و سائل نیز سند روایت را تا عیاشی ذکر نکرده، مگر اینکه ادعا شود هر چه در تفسیر عیاشی از روایات وجود دارد مورد اعتماد است و الله اعلم.

خلاصه نظر امام راحل در باب اعانت ظالم در غیر ظلم:



اعانت به ظالم در غير موارد ظلم، جايز است مگر با شرائطی، شخص معين خودش را وقف خدمت به ظالم کند و نيتش کمک به ظالم باشد. (زيرا انما الاعمال بالنيات) و از حزب و گروه آنها محسوب شود با اين سه شرط:

۱- اعانت به ظلمه حرام می باشد ولو در مباحات.

۲- البته امام راحل (ره) خلفای جور یعنی بنی عباس و بنی امیه را استثنا می فرمایند.

۳- به اين بيان (مکاسب محرمه، ص ۱۰۴، سطر ۱۲) بعيد نيست بگوئيم مطلق اعانت به آنها حرام است و تلاش در رفع حوائج آنها و داخل شدن در کارهای آنها به هيچ وجه ولو در کارهای مباح جايز نمی باشد.

همچنين در جای ديگر (مکاسب محرمه، ص ۱۰۳، پاراگراف دوم) می فرمایند: قد تقدم ان اسراء الحكم من تلك الروايات الواردة في خلفاء الجور المدعين لخلافه رسول الله (ص) الى غيرهم مشكل لخصوصيه فيهم دون سائر الظلمه و السلاطين و الامراء سيما مثل سلاطين الشيعة و امراءهم. قبلاً گذشت که سرایت دادن حکم از روایاتی که درباره خلفاء جور وارد شده (که مدعی جانشینی رسول خدا (ص) هستند) به ديگر ظلمه مشكل است زیرا خلفای جور خصوصیتی دارند (از جهت غضب ولايت و حکومت حقه الهی از ائمه معصومين (ع)) که ظلمه و سلاطين ديگر ندارند و در ظلم و ستم هيچ ظالمی به پای آنها نمی رسد.

نظر مرحوم خوئی در باب اعانت به ظالم در غير موارد ظلم (مصباح الفقاهه، ص ۱۴۲) کمک به ستمگران در غير جهت ظلم یعنی در امور جايز و مباح از قبیل بنائی و نانوائی و مانند آن، هيچ اشکالی ندارد. یعنی می شود در اين امور به ظلمه کمک کرد، چه با اجرت باشد یا بدون اجرت: به شرط اینکه با اين کمک کردن در نظر عرف مردم، از اعوان ظلمه محسوب نشود. ولی اگر در نظر مردم از اعوان ظلمه شمرده شود کمک کردن اگر چه در کارهای مباح باشد جايز نمی باشد.

از اینجا مرحوم خوئی به نقد و بررسی روایاتی می پردازند که به آنها برای اثبات حرمت اعانت به ظلمه در مباحات، استناد شده است و آنها را در اثبات اين معنا، ضعيف و مخدوش می دانند.

روایت اول: روایت محمدبن عذافر عن ابیه ظاهر روایت دلالت بر حرمت معامله با ظلمه دارد. جواب مرحوم خوئی: اولاً سند روایت ضعيف است.

ثانياً: اين قول امام (ع) که فرموده اند ای عذافر شنیده ام که با ابی ایوب و ابی الربيع معامله می کنی پس حالت چگونه خواهد بود آن زمانی که تو را در جمع اعوان ظلمه، ندا دهند (در روز



قیامت) از این بیان امام، روشن می‌شود که عذافر به صورت مداوم و پیوسته با ظلمه معامله می‌کرده است، به گونه‌ای که از اعوان ظلمه محسوب می‌شده است. پس مورد روایت از موضوع بحث ما خارج است.

روایت دوم: روایت ابن‌ابی‌یعفور که در این روایت امام (ع) سوال کننده را از کمک به ظلمه در امور مباح بر حذر داشته است.

جواب روایت: اولاً آنچه از ظاهر سخنان سؤال کننده بر می‌آید (ربما اصاب الرجل منا الضیق و الشده فیدعی الی البناء ... چه بسا مردی از ما دچار سختی و تنگدستی شود...) مردی از آنها دچار مشقت و سختی در معاش می‌شود پس برای رفع مشکل خود به سوی ظالمین می‌رود و این کار را ادامه می‌دهد تا اینکه از اعوان ظلمه محسوب می‌شود، به نحوی که ارتزاق و روزی او به دست ظالم می‌باشد. به همین علت امام (ع) در ادامه می‌فرماید: این اعوان الظلمه یوم القیامه فی سرداق من نار حتی یحکم الله بین العباد: اعوان ظلمه در روز قیامت در خیمه‌ای از آتش خواهند بود تا اینکه خداوند بین بندگان حکم کند. پس این روایت نیز از موضوع بحث ما خارج است و ربطی به آن ندارد (زیرا بحث در جایی است که فرد کمک کننده از اعوان و یاران محسوب نشود).

ثانیاً: این روایت علاوه بر اینکه از نظر دلالت ضعیف است، از نظر سند نیز ضعیف می‌باشد. ثالثاً: بر فرض اگر از اشکالات مذکور در بالا چشم‌پوشی کنیم، این قول امام (ع) که فرموده‌اند (ما احب انی عقدت لهم عقده او ... من دوست نمی‌دارم حتی گره‌ای برای آنها ببندم) فقط ما احب اگر ظهور در کراهت نداشته باشد، ظهور در حرمت نیز ندارد پس روایت مجمل خواهد بود.

روایت سوم: روایت عیاشی (مصباح الفقاهه صفحه ۱۴۳ پاراگراف پنجم) که در آن آمده است تلاش در جهت رفع حوائج ظالمین، همپایه کفر است و نگاه کردن به آنها عمداً از گناهان کبیره و مستوجب آتش عذاب الهی خواهد بود.

جواب: اولاً سند روایت ضعیف است. ثانیاً اضافه شدن حوائج به ظالمین در روایت ولو به قرینه حکم و موضوع (زیرا حوائج اضافه به ظالم شده و منظور از ظالم کسی است که متصف به صفت ظلم می‌باشد پس منظور از حوائج، حوائج در موارد ظلم است) دلیل بر این است که تلاش در جهت رفع حوائج و احتیاجات ظالمین در جهت ظلم و ستم، حرام است.

چهارمین روایت: (مصباح الفقاهه، ص ۱۴۴، پاراگراف دوم) روایت شیخ طوسی (ره) از ابن‌ابی‌عمیر از یونس بن یعقوب است که گفت: امام صادق (ع) به من فرمود: «لا تعنهم علی بناء

مسجد. ظلمه را در ساختن مسجد یاری نکن.» که از این روایت استفاده می‌شود اعانت به ظلمه در کارهای مباح نیز جایز نمی‌باشد.

جواب : اینکه امام صادق (ع) فرمود به ظلمه در ساختن مسجد یاری نرسانید به این علت است که کمک به آنها باعث فزونی اقتدار و شوکت آنها می‌شود پس این مسجد مانند مسجد ضرار است که خداوند در قرآن کریم ذکر فرموده است. پس مورد روایت رابطه‌ای با موضوع مورد بحث ما ندارد.

پنجمین روایت : (مصباح الفقاهه، ص ۱۴۴، پاراگراف چهارم) روایت صفوان که در آن امام موسی بن جعفر (ع) صفوان را از کرایه دادن شترانش به هارون منع کرده است.

جواب : اولاً روایت از نظر سند ضعیف است. ثانیاً : دلالت روایت بر جواز و اباحه بیشتر از دلالت روایت بر حرمت است زیرا امام (ع) صفوان را از دوست داشتن زندگی و حیات هارون منع کرده بود؛ برای اینکه امام (ع) می‌فرمایند : «أتحب بقائهم حتی یخرج کراءک قلت نعم. قال من احب بقائهم فهو منهم و من کان منهم کان ورده الی النار».

آیا دوست داری آنها زنده بمانند تا کرایه خود را بگیری. گفتم بله. امام (ع) فرمود کسی که خواهان تداوم زندگی آنها باشد از جمله آنان خواهد بود و هرکس از جمله آنها باشد در آتش جهنم وارد خواهد شد. از این سخنان امام (ع) می‌فهمیم که کرایه دادن شتران فی نفسه حرام نیست بلکه از جهت اینکه منجر به دوست داشتن بقاء زندگانی ظلمه می‌شود حرام است؛ یعنی در واقع محبت و دوستی ظلمه و زندگانی آنها حرام می‌باشد.

مرحوم خوئی در ادامه می‌فرمایند : بر فرض که از تمام اشکالات و نقوض مذکوره در بالا که به روایت وارد است چشم‌پوشی کنیم و تسلیم شویم که روایات مذکور دلالت بر حرمت اعانت به ظلمه در مباحات دارند اما سیره قطعی بر خلاف آن قائم شده یعنی سیره قطعی دلالت بر جواز اعانت به ظالم در غیر جهت ظلم دارد.

پس این سیره به منزله قرینه‌ای است که مراد و منظور از روایات را روشن می‌کند و به ما می‌فهماند که اعانت فقط در جهت ظلم حرام است.

خلاصه نظر مرحوم خوئی در باب اعانت به ظالم در غیر ظلم (مصباح الفقاهه، ص ۱۴۵، پاراگراف اول) نتیجه کلام اینکه در رابطه با ظلمه دو کار حرام است : ۱- اعانت به آنها در ظلم، ۲- اعانت به ظلمه به گونه‌ای باشد که انسان از یاران آنها محسوب شود و از حزب و گروه آنها به حساب آید به

نحوی که در نظر مردم، فرد معین از منسوبین به ظالم باشد، مثلاً گفته شود فلانی کاتب ظالم است یا فلانی معمار ظالم است؛ اما در غیر این دو صورت هیچ دلیلی بر حرمت اعانت وجود ندارد. مرحوم خوئی در پایان تذکر می‌دهند که مراد از ظالم، ظالم به دیگران است نه ظالم به خود که شامل هر معصیت کار و گناه کاری بشود.

نظر مرحوم ایروانی در باب اعانت به ظالم در غیر جهت ظلم (حاشیه در مکاسب، ص ۴۲، سطر ۲۰) اولین مطلبی را که ایشان مورد بحث قرار داده‌اند این است که منظور از ظالم چه کسی است. ایشان می‌فرمایند برای ظالم سه معنا متصور است :

۱- ظالم یعنی مطلق گناهکار و معصیت کار که به خودش ظلم می‌کند (در این صورت شامل گناهان فردی از قبیل شرب خمر و ترک نماز و ... نیز می‌شود).

۲- ظالم کسی است که در حق دیگران مرتکب ظلمی شود از قبیح کشتن نفوس و دزدی و ...

۳- منظور از ظالم کسی است که بر مسند حکومت جور تکیه زده یعنی حکام و سلاطین جور. مرحوم ایروانی می‌فرمایند : ظاهراً منظور از ظالم معنای سوم (حکام جور) می‌باشد به دلائل

زیر :

دلیل اول : در بعضی اخبار صراحتاً و در بعضی تلویحاً این مطلب ذکر شده یعنی در بعضی از اخبار صراحتاً لفظ حاکم جور و سلطان ستمگر ذکر شده و در بعضی فقط لفظ ظالم و مانند آن آمده است ولی از آن همان حاکم جور و سلطان ستمگر استفاده می‌شود.

دلیل دوم : در روایت ابی حمزه از امام سجاد (ع) آمده است «ایام و صحبه العاصین و معونه الظالمین» یعنی لفظ الظالمین در مقابل لفظ العاصین آمده است که بیانگر این مطلب است که منظور از ظالمین معنایی در مقابل العاصین است پس منظور از ظالمین مطلق گناهکار و معصیت کار نیست.

دلیل سوم : در تفسیر آیه شریفه «لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار» آمده است که منظور مردی است که نزد سلطان ستمگر می‌رود پس دوست دارد او زنده باشد تا اینکه دست در کیسه خود کرده و به او پولی عطا کند. یعنی منظور از ظالم، سلطان ستمگر است.

دلیل چهارم : سیره قطعیه بر این بوده که به انسان‌های فاسق و معصیت کار از مردم (غیر خلفاء جور) کمک می‌کرده‌اند.



دلیل پنجم : اگر اعانت و معامله با غیر خلفاء جور جایز نباشد پس باید فقط با انسان‌های عادل معامله کرد و لازمه این کار، اختلال نظام و مختل شدن امورات معاش و زندگی مردم است. پس به دلائل پنجگانه بالا که ذکر شد، منظور از ظالم حکام جور می‌باشد نه هر گناهکار معصیت‌کاری. مرحوم ایروانی همچنین در قسمتی دیگر از بحث خود می‌فرماید : لا مجال للتشکیک فی عموم الاخبار (حاشیه بر مکاسب، ص ۴۲، سطر ۳۰) نمی‌شود در دلالت اخبار (اخبار وارد ده حرمت اعانت به ظالم) بر عموم (حرمت اعانت مطلقاً چه در ظلم باشد چه در غیر ظلم) شک کرد ولی دلائلی وجود دارد که عموم مستفاد از اخبار را مخدوش می‌کند آن دلائل عبارتند از :

دلیل اول : در روایت تحف العقول (کتاب المکاسب الشیخ انصاری) آمده است کسب و کار برای سلاطین جور و حکام ستمگر به جهت ولایت و دوستی آنها حرام است. که از این استفاده می‌شود اعانت در امور مباح مانند بنائی و خیاطی و ... جایز است. (البته اگر همراه با محبت نسبت به آنها نباشد).

دلیل دوم : مشهور در بین علماء و فقهاء اعراض از عموم اخبار است. اکثر علماء گفته‌اند اعانت به ظالم فقط در ظلم جایز نیست، در میاحات جایز است.

دلیل سوم : سیره قطعی قائم شده بر جواز اعانت به ظلمه و حکام جور در امور مباح. دلیل چهارم : علامه طباطبائی (ره) نقل اجماع فرموده‌اند بر جواز اعانت به ظلمه و حکام ستمگر در امور مباح یعنی فرموده‌اند بر این مطلب اجماع وجود دارد.

ادله چهارگانه بالا باعث می‌شود :
الف : روایات مذکوره در بالا سست و ضعیف شوند و دلالت بر عمومیت حرمت اعانت به ظلمه نداشته باشند.

ب : یا اینکه باعث می‌شوند اخبار مذکوره در قبل را حمل بر مواردی کنیم که اعانت به ظالم، موجب محبت و دوستی آنها شود، همچنانکه به این مطلب (حرام بودن محبت) در روایت صفوان تصریح شده است.

ج : یا اینکه اخبار را حمل بر مواردی کنیم که اعانت و معامله با حکام ستمگر باعث می‌شود که انسان در اموال حرام یا مشتبه آنها که به عنوان مزد و ثمن دریافت کرده تصرف کند و تصرف در چنین اموالی جایز نمی‌باشد.

خلاصه نظر مرحوم ایروانی در باب اعانت به ظالم (حاشیه بر مکاسب، ص ۲۴۲، سطر پایین صفحه)

آنچه از اخبار استفاده می‌شود در رابطه با ظلمه این امور سه گانه حرام می‌باشد.

۱- اعانت و کمک به آنها.

۲- تعظیم و بزرگداشت آنها یعنی اعانت به نحوی باشد که باعث اقتدار و فزونی شوکت آنها

شود.

۳- محبت و دوست داشتن آنها و اینکه در بعضی روایات آمده نگاه کردن به آنها عمداً از

گناهان کبیره است، شاید منظور نگاه از روی محبت باشد؛ پس در واقع محبت به آنها حرام است

نه نگاه کردن.

تم بعون الله تبارک و تعالی و الحمد لله رب العالمین.

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. انصاری، شیخ مرتضی، ۱۳۷۵. کتاب المکاسب، چاپ تبریز.
۳. حر عاملی، محمد حسین، ۱۴۱۴. وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البیت قم.
۴. خوئی، آیت الله سید ابو القاسم، ۱۳۶۶. مصباح الفقاهه، نشر امیر قم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

